



۳۸۰

انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان

تربیت در قرآن و نهج البلاغه

دکتر سید حمیدرضا علوی

- سرشناسه : علوی، سیدحمیدرضا، ۱۳۴۰ -
- عنوان و نام پدیدآور : تربیت در قرآن و نهج البلاغه/ حمیدرضا علوی.
- مشخصات نشر : کرمان : دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۳.
- مشخصات ظاهری : ۴۷۵ص.
- فروست : انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ ۳۸۰.
- شابک : 978-600-201-056-8
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۷۱-۴۷۵.
- موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.
- نهج البلاغه -- اخلاق
- موضوع : اخلاق اسلامی
- موضوع : اخلاق اسلامی -- جنبه‌های قرآنی
- موضوع : تربیت اخلاقی
- شناسه افزوده : دانشگاه شهید باهنر کرمان
- رده بندی گنگره : ۱۳۹۳ ت ۴۷۸۸/ع BP۲۴۷/۸
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۲۳۶۵۳

تربیت در قرآن و نهج البلاغه

تألیف: دکتر سیدحمیدرضا علوی

ناشر: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان

طراح جلد: زهرا آقاعباسی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: چاپخانه کرمان تکثیر (۳۲۴۵۸۶۵۴)

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۱-۰۵۶-۸

ISBN: 978-600-201-056-8

پیشگفتار

فاصله گرفتن بسیاری از افراد جامعه از تربیتی استوار و حقیقی از یک سو، و وجود دروسی نظیر تربیت در قرآن، تربیت در نهج البلاغه به ترتیب در دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد رشته‌هایی نظیر فلسفه تعلیم و تربیت (با گرایش تعلیم و تربیت اسلامی) و فقدان منابع کافی در زمینه‌های مذکور و ضرورت افزودن نگاه‌هایی دیگر به این منابع و موارد، لزوم انجام تحقیقی را با عنوان «تربیت در قرآن و نهج البلاغه» ضروری و قطعی جلوه می‌دهد. اینجاست که احساس مسئولیتی عظیم در هر پژوهشگر مشتاقی نسبت به تحقیق در این زمینه ایجاد می‌گردد و انگیزه و شوق او در این خصوص به گونه‌ای فزونی می‌یابد که همت و تلاشی مضاعف را برای او شورانگیز و دلپسند جلوه می‌دهد و تمامی خستگی ظاهری طی چنین مسیری اینچنین دشوار را برایش به شور و شغف و شادی مبدل می‌سازد. گویی او که در اثنای تحقیق خود را در محضر قرآن و نهج البلاغه می‌یابد هر لحظه و هر آن تربیت‌یافته‌تر می‌گردد، نورانی‌تر می‌شود و بر مراتب عشق و دلدادگی‌اش به این دو منبع ماندگار بیشتر می‌گردد تا بدان‌جا که دیگر حتی تاب لحظات فراق و هجران را نمی‌آورد.

مطالب و موضوعات این کتاب بدین گونه تنظیم گردیده‌اند که در پنج فصل اول که فصول اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهند به ترتیب مباحث «خداشناسی»، «انسان‌شناسی»، «طبیعت‌شناسی»، «دنیاشناسی» و «مرگ‌شناسی» از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه مورد بررسی و تحلیل قرار داده شده‌اند.

هر فصل نیز مشتمل بر دو بخش اساسی است. نخست مبانی یا ویژگی‌ها و صفات خدا، انسان، طبیعت، دنیا و مرگ از قرآن و نهج البلاغه استخراج شده و مورد تشریح و تفسیر قرار گرفته‌اند و در بخش دوم هر فصل، دلالت‌های تربیتی مرتبط با هر مبنا یا ویژگی از آن مبانی یا ویژگی‌ها استخراج گردیده و شرح داده شده‌اند. در این شرح نیز علی‌رغم آن‌که استنباط محقق مبنای اصلی استخراج، تشریح و تنظیم هر رهنمود و نکته تربیتی بوده است، اما تلاش وافر به عمل آمده است این نکات، رهنمودها، راهکارها و روش‌ها که حتی در مواردی حالتی از اصول را به خود می‌گیرند و در مواردی حالات جزئی‌تری از اصول را پیدا می‌کنند و به شکل روش‌ها و حتی

راهکارهایی نمایان می‌شوند که در جهت پیاده کردن آن اصول به منظور وصول به اهداف مربوطه به کار می‌روند، همچنان دقیقاً و جزء به جزء مستند به آیات قرآن کریم و خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه باشند. بدیهی است در استخراج ویژگی‌های مرتبط با پنج مورد فوق، تعدادی از ویژگی‌هایی که به نظر مهم‌تر و قابل طرح‌تر در تربیت جلوه نموده‌اند استخراج گردیده‌اند و بر همان اساس، دلالت‌های تربیتی مربوط به هر کدام استنتاج و تشریح شده است. همان گونه که می‌توان گفت پنج بعد یا پنج مورد فوق تنها موارد جهت استنباط و استخراج دلالت‌های تربیتی در قرآن کریم و نهج البلاغه نمی‌باشند.

اگرچه با در نظر گرفتن این امر که در قسمت دوم هر فصل از پنج فصل مذکور، نتیجه گیری‌های لازم تربیتی به عمل آمده است، با این وجود تلاش شده مبتنی بر مجموع مطالب بیان شده در این پنج فصل، در آخرین فصل، نتیجه گیری و جمع بندی نهایی به عمل آید.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱۱

فصل اول: مبانی خداشناسی و دلالت‌های تربیتی آن در قرآن کریم و نهج‌البلاغه..... ۱۷

الف- مبانی خداشناسی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه..... ۱۷

۱- خداوند یکتاست..... ۱۷

۲- خداوند عالم است..... ۱۸

۳- خداوند ازلی و ابدی است..... ۱۹

۴- خداوند بزرگ و تواناست..... ۲۲

۵- خداوند عزیز است..... ۲۳

۶- خداوند مالک است..... ۲۴

۷- خداوند، آفریدگار تمامی هستی است..... ۲۵

۸- خداوند، پروردگار تمامی هستی است..... ۲۶

۹- خداوند، حکیم است..... ۲۷

۱۰- خداوند، رحیم است..... ۲۷

۱۱- خداوند، عادل است..... ۲۸

۱۲- خداوند، حلیم است..... ۳۰

۱۳- خداوند، دارای فضل است..... ۳۰

۱۴- خداوند، پاداش دهنده است..... ۳۱

۱۵- خداوند، آمرزنده است..... ۳۲

۱۶- خداوند، توبه پذیر است..... ۳۲

۱۷- خداوند، روزی دهنده است..... ۳۳

۱۸- خداوند، منعم است..... ۳۴

۱۹- خداوند، شکرپذیر است..... ۳۴

۲۰- خداوند، بی نیاز است..... ۳۶

بی‌نوشت‌ها..... ۳۷

ب- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبانی خداشناسی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه..... ۵۲

۱- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی یکتائی خداوند..... ۵۲

۲- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی عالم بودن خداوند..... ۵۴

۳- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی ازلی و ابدی بودن خداوند..... ۵۸

- ۴- استلزامات تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی بزرگ و قدرتمند بودن خداوند..... ۵۹
- ۵- دلالت‌های تربیتی مرتبط به مبنا یا ویژگی عزیز بودن خداوند..... ۶۳
- ۶- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی مالک بودن خداوند..... ۶۵
- ۷- دلالت‌های تربیتی مرتبط به مبنا یا ویژگی آفریدگار بودن خداوند..... ۶۶
- ۸- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی پروردگار بودن خداوند..... ۶۶
- ۹- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی حکیم بودن خداوند..... ۶۸
- ۱۰- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی رحیم بودن خداوند..... ۷۴
- ۱۱- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی عادل بودن خداوند..... ۸۰
- ۱۲- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی حلیم بودن خداوند..... ۸۶
- ۱۳- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی دارای فضل بودن خداوند..... ۹۴
- ۱۴- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی پاداش دهنده‌گی خداوند..... ۹۷
- ۱۵- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی آمرزنده‌گی خداوند..... ۹۸
- ۱۶- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی توبه پذیری خداوند..... ۱۰۰
- ۱۷- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی رزاقیت خداوند..... ۱۰۵
- ۱۸- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی منعم بودن خداوند..... ۱۱۰
- ۱۹- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی شکرپذیری خداوند..... ۱۱۵
- ۲۰- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی بی‌نیازی خداوند..... ۱۱۶
- ۱۱۸..... پی‌نوشت‌ها

فصل دوم: مبانی انسان‌شناسی و دلالت‌های تربیتی آن در قرآن کریم و نهج البلاغه..... ۱۶۳

- الف- مبانی انسان‌شناسی در قرآن کریم و نهج البلاغه..... ۱۶۳
- ۱- انسان از کرامت و بزرگواری برخوردار است..... ۱۶۳
- ۲- انسان هدفدار خلق شده است..... ۱۶۴
- ۳- آدم، مسجود فرشتگان خداست..... ۱۶۵
- ۴- آدم، دمیده شده از روح خداست..... ۱۶۷
- ۵- انسان، دارای روح است..... ۱۶۸
- ۶- انسان، جانشین خدا در روی زمین است..... ۱۶۸
- ۷- انسان، برخوردار از قدرت نطق است..... ۱۶۹
- ۸- انسان، از قدرت دانایی برخوردار است..... ۱۷۰
- ۹- انسان، دارای فطرت الهی است..... ۱۷۱
- ۱۰- انسان، خداوند را به عنوان پروردگار خویش پذیرفته است..... ۱۷۲
- ۱۱- انسان، پذیرای امانت الهی گردیده است..... ۱۷۳
- ۱۲- انسان، تنها با یاد خدا آرامش می‌یابد..... ۱۷۴
- ۱۳- انسان، در بهترین صورت و نظام خلق شده است..... ۱۷۶
- ۱۴- انسان، برخوردار از قدرت اختیار است..... ۱۷۶
- ۱۵- انسان، دارای وجدان اخلاقی است..... ۱۷۷

۱۶- انسان، دارای نفسی وسوسه گر است.....	۱۷۸
۱۷- آدم، فراموشکار است.....	۱۷۹
۱۸- انسان، از خاک خلق شده است.....	۱۷۹
۱۹- انسان، ضعیف خلق شده است.....	۱۸۰
۲۰- انسان، عجول خلق شده است.....	۱۸۱
۲۱- انسان، حریص خلق شده است.....	۱۸۱
۲۲- انسان، بخیل است.....	۱۸۲
۲۳- انسان، نادان است.....	۱۸۳
۲۴- انسان، ناسپاس است.....	۱۸۳
۲۵- انسان، علاقمند به مال است.....	۱۸۴
۲۶- انسان، اهل مجادله است.....	۱۸۵
۲۷- انسان، نوسان پذیر است و آنگاه که خود را بی نیاز ببیند، طغیان می کند.....	۱۸۵
بی‌نوشت‌ها.....	۱۸۹
ب- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبانی انسان‌شناسی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه.....	۱۹۱
۱- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «کرامت و بزرگواری انسان».....	۱۹۱
۲- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «هدف‌دار خلق شدن انسان».....	۱۹۷
۳- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «مسجود فرشتگان خدا بودن انسان».....	۲۰۳
۴- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «دمیده شده از روح خدا بودن انسان».....	۲۰۴
۵- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «واجب روح بودن انسان».....	۲۰۵
۶- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «جانشین خدا بودن انسان در زمین».....	۲۰۷
۷- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «برخورداری انسان از قدرت نطق».....	۲۰۸
۸- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «برخورداری انسان از قدرت دانایی».....	۲۰۹
۹- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «دارای فطرت الهی بودن انسان».....	۲۱۶
۱۰- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «پذیرش خداوند به عنوان پروردگار خود».....	۲۱۷
۱۱- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «پذیرش امانت الهی».....	۲۱۸
۱۲- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «دریافت آرامش با یاد خدا».....	۲۲۱
۱۳- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «خلقت انسان در بهترین حالت».....	۲۲۴
۱۴- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «برخورداری انسان از قدرت اختیار».....	۲۲۵
۱۵- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «وجود وجدان اخلاقی در انسان».....	۲۲۸
۱۶- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «وجود نفس وسوسه گر در انسان».....	۲۳۰
۱۷- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «فراموش کاری انسان».....	۲۳۲
۱۸- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا و یا ویژگی «از خاک خلق شدن انسان».....	۲۳۷
۱۹- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «ضعف انسان».....	۲۳۹
۲۰- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «عجول بودن انسان».....	۲۴۳
۲۱- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «حریص بودن انسان».....	۲۴۶
۲۲- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «بخیل بودن انسان».....	۲۴۷

- ۲۳- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «تادانی انسان» ۲۵۰
- ۲۴- دلالت‌های تربیتی مبتنی بر مبنا یا ویژگی «تاسپاسی انسان» ۲۵۸
- ۲۵- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی «علاقه مندی انسان به مال» ۲۶۲
- ۲۶- دلالت‌های تربیتی مبتنی بر مبنای یا ویژگی «اهل مجادله بودن انسان» ۲۷۱
- ۲۷- دلالت‌های تربیتی مبتنی بر مبنا یا ویژگی «نوسان پذیری انسان» و طغیانگری انسان ۲۷۲
- هنگام احساس بی‌نیازی از خدا» ۲۷۲
- بی‌نوشت‌ها ۲۷۸

فصل سوم: مبانی طبیعت‌شناسی و دلالت‌های تربیتی آن در قرآن کریم و نهج البلاغه ۳۱۵

الف- مبانی طبیعت‌شناسی در قرآن کریم و نهج البلاغه ۳۱۵

- ۱- طبیعت، یک نظام یا سیستم است ۳۱۵
- ۲- طبیعت، هدفدار، برنامه ریزی شده و منظم است ۳۱۸
- ۳- طبیعت، زیبا است ۳۲۲
- ۴- طبیعت، آیت الهی است ۳۲۴
- ۵- طبیعت، مخلوق و حادث است ۳۲۵
- ۶- طبیعت، متعلق به خداست ۳۲۶
- ۷- طبیعت، تسلیم امر خدا و تسبیح گوی اوست ۳۲۷
- ۸- طبیعت، مسخر انسان است ۳۲۹

ب- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبانی طبیعت‌شناسی در قرآن کریم و نهج البلاغه ۳۳۱

- ۱- دلالت‌های تربیتی مرتبط با ویژگی «نظام یا سیستم بودن طبیعت» ۳۳۱
- ۲- طبیعت، هدفدار، برنامه ریزی شده و منظم است ۳۳۷
- ۳- دلالت‌های تربیتی مرتبط با ویژگی «زیبا بودن طبیعت» ۳۴۳
- ۴- دلالت‌های تربیتی مرتبط با ویژگی «آیت الهی بودن طبیعت» ۳۴۹
- ۵- دلالت‌های تربیتی مرتبط با ویژگی «مخلوق و حادث بودن طبیعت» ۳۵۰
- ۶- دلالت‌های تربیتی مرتبط با ویژگی «متعلق به خدا بودن طبیعت» ۳۵۲
- ۷- دلالت‌های تربیتی مرتبط با ویژگی «تسلیم امر خدا و تسبیح گوی خدا بودن طبیعت» ۳۵۴
- ۸- دلالت‌های تربیتی مرتبط با ویژگی «مسخر انسان بودن طبیعت» ۳۵۵
- بی‌نوشت‌ها ۳۵۶

فصل چهارم: مبانی دنیا‌شناسی و دلالت‌های تربیتی آن در قرآن کریم و نهج البلاغه ۳۵۷

الف- مبانی دنیا‌شناسی در قرآن کریم و نهج البلاغه ۳۵۷

- ۱- دنیا سرای فریب است ۳۵۷
- ۲- سرمایه زندگی دنیا ناچیز است ۳۶۰
- ۳- زندگی دنیا ناپایدار است ۳۶۳
- ۴- زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی است ۳۶۴

- ۵- زندگی دنیا، تجمل پرستی، فخر فروشی و افزون طلبی است..... ۳۶۵
پی‌نوشت‌ها..... ۳۶۷

- ب- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبانی دنیاشناسی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه..... ۳۷۱
۱- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبانی یا ویژگی سرای فریب بودن دنیا..... ۳۷۱
۲- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی ناچیز بودن سرمایه زندگی دنیا..... ۳۷۷
۳- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی ناپایدار بودن زندگی دنیا..... ۳۸۰
۴- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی بازیچه و سرگرمی بودن زندگی دنیا..... ۳۸۴
۵- دلالت‌های تربیتی مرتبط با تجمل پرستی، فخر فروشی و افزون طلبی بودن زندگی دنیا..... ۳۸۷
پی‌نوشت‌ها..... ۳۹۷

فصل پنجم: مبانی مرگ‌شناسی و دلالت‌های تربیتی آن در قرآن کریم و نهج‌البلاغه..... ۴۰۷

- الف- مبانی مرگ‌شناسی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه..... ۴۰۷
۱- مرگ، همگانی است..... ۴۰۷
۲- مرگ، همه جا می‌آید..... ۴۰۸
۳- مرگ، زمان خاص خود را دارد..... ۴۱۰
۴- مرگ، فرمان قطعی الهی است..... ۴۱۱
۵- کلیه کائنات مشمول مرگند..... ۴۱۵
۶- آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نیستند..... ۴۱۶
۷- مرگ، برای بدکاران ترس آور است..... ۴۱۸
۸- مرگ، قبض روح است (مرگ، وفات است و نه فوت)..... ۴۲۴
پی‌نوشت‌ها..... ۴۲۵

- ب- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبانی مرگ‌شناسی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه..... ۴۳۱
۱ و ۲ و ۳- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبانی یا ویژگی‌های همگانی و همه جایی بودن و زمان خاص داشتن مرگ..... ۴۳۱
۴- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی فرمان قطعی الهی بودن مرگ..... ۴۳۲
۵- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی مشمول مرگ بودن کلیه کائنات..... ۴۳۸
۶- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مرده نبودن آنان که در راه خدا کشته می‌شوند..... ۴۳۹
۷- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی ترس آور بودن مرگ برای بدکاران..... ۴۴۴
۸- دلالت‌های تربیتی مرتبط با مبنا یا ویژگی قبض روح بودن مرگ..... ۴۴۸
پی‌نوشت‌ها..... ۴۵۰

فصل ششم: گفتار پایانی..... ۴۶۱

مقدمه

تعلیم و تربیت زمینه بسیار کلی را پوشش می‌دهد که مشتمل بر موارد بسیار وسیع و گوناگونی است. با نگاهی ویژه به تربیت اسلامی در معنای اخص آن درمی‌یابیم که تربیت جسمانی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، و دینی از منظر قرآن و ائمه معصومین (ع) و اندیشمندان مسلمان می‌تواند بخشی از موارد تشکیل دهنده تربیت اسلامی باشد.

از سوی دیگر، واژه «تربیت» خود متشکل از مؤلفه‌های گوناگونی نظیر مبانی، اصول، روش‌ها، اهداف، یا عناصری همانند روش‌های آموزش و تدریس، محتواهای آموزشی و درسی، و مواردی از این قبیل است. در طول تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی، موارد مذکور از منظرهای خاصی مورد علاقه و کنکاش قرار گرفته‌اند. قدر مسلم آن است به تعداد صاحب‌نظرانی که در زمینه‌های فوق دست به قلم برده و یا نظریه پردازی کرده‌اند، نظریات متفاوت در این موارد شکل گرفته است. چنین جریان و فرآیندی همچنان برقرار است و هر محصول جدیدی که در این عرصه عرضه می‌گردد، ضمن آن‌که به نوعی می‌تواند متأثر و حتی وامدار محصولات قبل از خود باشد به گونه‌ای هم خواهد توانست مؤثر بر جریان‌های در حال شکل‌گیری در زمان خود و یا بعد از خود محسوب شود.

قدر مسلم آن است که هر نویسنده‌ای هم که خواستار نگاهی دوباره به تربیت اسلامی باشد با توجه به وسعت و بیکرانگی دامنه آن، فقط قادر به بررسی بخشی از آن خواهد بود، خصوصاً اگر قصدش کاوشی دقیق‌تر و ژرف‌تر در این اقیانوس بی‌انتها باشد و هدفش کشف و استخراج گوه‌رهایی گرانبهار و نوتر.

بدیهی است از جمله ملزومات پویائی تربیت اسلامی نیز چیزی جز همین نمی‌باشد که بتواند همگام با نو شدن شرایط تربیتی هر جامعه، فرآورده‌های اصیل خود را برای طالبان راستین ارائه نماید و دستداران هدایت را سرگردان به حال خود رها نسازد. در این نگاه، گوئی تربیت اسلامی، دریا در ریاست و اقیانوس در اقیانوس که به تناسب معرفت و شایستگی مخاطب، جویای خود را از مفاهیم موزون خود برخوردار و متمتع می‌سازد. لذاست که در این جریان باید بر لیاقت و هدایت‌پذیری خود افزود تا آن‌که بی‌بهره از آن مانده آسمانی برنخاست و باید که سزاوار شد تا

آن که دید و چید و دامنی سرشار از رنگین کمانی از گل های عطر آگین بر گرفت و مشام جان به آن ها معطر داشت. بنابراین، آنان که نمی یابند، نمی بینند و یا آن که آنان که نمی بینند، نمی یابند. این جاست که ایراد و خرده گیری بر آن خوان گسترده، روا نیست زیرا آنچه که در آن نیست بخل و امساک است. بیهوده نیست که پیشوای پرهیزکاران و تربیت یافتگان تاریخ، قرآن را بدین صفت ممتاز وصف نمود که: «النور الذی لا یطفأ و الوجه الذی لا یموت» (غرر الحکم: ۸۱۲۸)، نوری که هرگز خاموش نمی شود، و چهره ای که هرگز کهنه نمی گردد. و لذاست گوئی که زمان، مفسر قرآن است. علی (ع)، که خود از ممتازترین پرورش یافتگان مکتب تربیتی قرآن بود با چنین توصیفی، در واقع ماندگاری تربیت قرآنی و تربیت خود را برای تمامی انسان های تمامی زمان ها و مکان ها تبیین و اثبات نمود.

آن چه بشر غافل امروز به شدت بدان نیازمنداست کسب آگاهی از روش ها و راهکارهائی است که به طور جزئی، دقیق و کامل او را از این امر آگاه سازد که در هر مورد از موارد زندگی «چگونه» رفتار نماید که به اهداف متناسب با شأن خویش نائل آید. به طور قطع، آن گاه می توان در پی طراحی چنین راه هایی برآمد که «انسان» را شناخت و هر آنچه را که او با آن در ارتباط است که مهمترین آن ها از این قرارند: «خدا»، «طبیعت»، «دنیا» و «مرگ». منظور از شناخت موارد مذکور نیز کسب آگاهی جامع و ژرف در خصوص ویژگی ها یا خصوصیات و صفات هر کدام از چنین مواردی است. به عبارت دیگر، با توصیف «هست ها» است که می توان در پی تبیین «بایدها» برآمد، و آنگاه چنین بایدهایی را تا آنجا که مقدور است جزئی تر و جزئی تر نمود تا آن که گوئی از آن اصول کلی، روش ها و راهکارهائی به مراتب جزئی تر استخراج گردند به طوری که به طور واضح و روشن، تکلیف و وظیفه دقیق رهرو حقیقت و جویای هدایت را مشخص سازند و سوق دهنده او بسوی اهدافی گردند که برای وصول به همان اهداف آفریده شده است. در این صورت است که هر قدر چنین فردی توفیق به کارگیری چنین راهکارهائی را بیشتر یابد به همان میزان تربیت یافته تر و یا به طور کلی هدایت یافته تر به حساب خواهد آمد و به عبارتی به مراتب بالاتری از اهداف مطلوب ذات خویش دست خواهد یافت.

این جاست که می توان چنان «هست هایی» را که توصیف خدا، انسان، طبیعت، دنیا و مرگند را به منزله مبانی استتاج و استخراج «بایدها» و روش ها و نهایتاً راهکارهائی جزئی مرتبط با آن «بایدها» در نظر گرفت. به عبارت دیگر، مبنا، محل بنای بایدها و یا اصولی واقع می شود که از همان اصول، فروع و شاخ و برگ ها و نهایتاً ثمرات و محصولات شیرین و پرطراوت می روید که

مایهٔ رویش و سرزندگی است و دستمایه استمرار و تمدید حیات جان آدمی بدون این ارتزاق معنوی، غنچه وجود به گل نمی‌نشیند و یا مجموعهٔ عظیم استعدادهای نهفته و گرانبهای انسان شکوفا نمی‌شود و به عبارتی انسان تربیت نمی‌گردد. حال هر قدر مبانی که شالوده‌ها و زیربناهای اساسی اصول و روش‌های تربیت هستند، صحیح‌تر پایه‌ریزی شوند به همان میزان می‌توان به صحت، سنجیدگی، تناسب و هماهنگی اصول و روش‌های مبتنی بر چنان ارکان و پایه‌هایی امیدوار بود و کمتر متزلزل از انهدام و تخریب توسط طوفان و سیل و زلزله گشت. درختی پاک را می‌ماند که در قلب زمینی پاک و مستحکم می‌روید و ریشه‌های خود را استواری و استحکام می‌بخشد و میوه‌های تازه خویش را هر لحظه و هر آن به اذن پرورش دهنده حقیقی خود به اهلش که همانا جویندگان تربیتند عرضه می‌دارد. کلام پاک نیز که مایه حیات و هدایت است خاستگاهی مشابه دارد: «الم ترکیف ضرب الله مثلاً کلمة طيبة کشرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی أکلهما کل حین بأذن ربها» (ابراهیم: ۲۴). کجا رواست که چنین بنایی محکم و یا این گونه گیاه و درختی استوار و مستحکم را مشابه دانست با هر علف هرزه و هر خس و خاشاکی که بر هر شوره زاری بی حاصل و بر هر سطحی ناموزون با هر بادی که می‌وزد از جا کنده می‌شود و جز آن که تلخی زهر آگینش، قلب پر طیشی را از حرکت و حیات باز می‌دارد و سیاهی و تاریکی اش فضای روشن برابر دیدگان را تیره و تاریک می‌سازد، و هیچ ثمری نخواهد داشت: «فمثله کمثل صفوان علیه تراب فأصابه وابل فترکه صلدا لا یقدرون علی شیء مما کسبوا» (بقره: ۲۶۴)، «عمل او همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشاندن شود) و رگباری بر آن بیارد، (و همهٔ خاک‌ها و بذرها را بشوید) و آن را صاف (خالی از خاک و بذر) رها کند، آن‌ها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند».

حال، به راستی به استحکام و درستی کدام تربیت می‌توان مطمئن‌تر از تربیتی بود که خاستگاه آن وحی الهی و یا کلام پرورش یافتگان مکتب وحی باشد، تربیتی که مبانی خود را یعنی توصیف و تشریح صفات و ویژگی‌های خدا، انسان، طبیعت، دنیا و مرگ را از قرآن و نهج البلاغه می‌گیرد و مبتنی بر آن‌ها راه‌های متناسب به منظور وصول به اهداف را ترسیم می‌نماید. می‌توان گفت تربیت ملهم از قرآن و نهج البلاغه، مبانی خود را از این دو منبع معتبر و نیز از این دو معتبرترین منابع می‌گیرد و براساس آن مبانی، محقق به تشریح و تحلیل رهنمودها و نکته‌های ریز و دقیق تربیتی می‌پردازد که از آن مبانی استنتاج می‌نماید. بنابراین همین رهنمودها و دلالت‌ها هستند که به

طور حتمی به دنبال آن مبانی، قابل طرحند و لذاست که دلالت‌های تربیتی مبتنی بر آن مبانی محسوب می‌گردند. بدون تردید از آنجا که چنین دلالت‌هایی از یک سو براساس مبناهای مستخرج از قرآن و نهج البلاغه و از سوی دیگر، جزئیات تشکیل دهنده هر کدام مستند به این دو منبع عظیم‌اند، بنابراین بخش دیگری از تربیت ملهم از قرآن و نهج البلاغه را تشکیل می‌دهند. اینجاست که می‌توان از تربیت در قرآن و نهج البلاغه در معنای مبانی تربیت و دلالت‌های تربیتی مرتبط با آن مبانی در ابعاد پنج‌گانه خداشناسی، انسان‌شناسی، طبیعت‌شناسی، دنیاشناسی و مرگ‌شناسی سخن گفت. به عبارت واضح‌تر، متوقع آن بود که با معرفی حقیقی درباره خدا، انسان، طبیعت، دنیا و مرگ وظائف و رهنمودهای تربیتی مربی و مربی در جهت تحقق اهداف تربیتی که قرآن و نهج البلاغه برای تربیت آدمی به طور مستقیم و غیر مستقیم معرفی نموده‌اند تسهیل و امکان پذیر گردد. قطعاً از چنین منظری هرگز تربیت را نباید در بعد رسمی و کلاسی آن خلاصه دید، بلکه آنچه به مراتب حائز اهمیتی افزون‌تر است بعد غیر رسمی تربیت می‌باشد که دیگر زمان و مکان نمی‌شناسد و در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها جاری است و هرگز به ساعتی خاص در مکانی ویژه همچون مکتب و مدرسه محدود و خلاصه نمی‌شود، بلکه قلمرو زمانیش تمام عمر آدمی و قلمرو مکانیش تمام جهان می‌باشد. به همین ترتیب، شمول این گونه تربیتی آنچنان وسیع و گسترده است که تعلیم را در معنای تربیت استعداد عقلانی در بر می‌گیرد. با این نگاه، پدر و مادر و معلم و مربی و دوست و همکار می‌توانند در گستره این چنین تربیتی واقع شوند و حتی خود فرد هم بهترین مربی خود قلمداد گردد، و هر نوع رهنمودی که به نوعی بتواند ناظر بر هدایت انسان و سوق دادن او به سوی هدف خلقتش باشد به طریقی مشابه بتواند متوجه تربیت انسان نیز شود زیرا که هدف خلقت انسان همسو، هماهنگ و همگرا و بلکه یکسان با هدف تربیت او است؛ یعنی نهایتاً هدایت او در جمیع ابعاد و جوانب استعدادهای گوناگون تشکیل دهنده شخصیتی‌اش نظیر جسمانی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، و دینی در جهت عبودیت و قرب و رضای خدای متعال.

جستجوی تربیت با چنین نگاهی در قرآن و نهج البلاغه و استخراج مبانی و تبیین دلالت‌های آن، همسوئی و هماهنگی کامل تربیت قرآنی را با تربیت مبتنی بر دیدگاه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه تأیید و اثبات خواهد نمود و هر فرد منصفی را بر استحکام حقانیت دیدگاهها و نظریات امیرالمؤمنین (ع) معترف‌تر خواهد نمود، و از سوی دیگر بر مقاعد ساختن مضاعف او در پذیرش چنان آراء تربیتی خواهد افزود.